

جنگ به روایت زنان

مینا رادمنش

پژوهشگر اجتماعی

میل مه‌رانی‌پذیر به بدوی‌ترین شکل تاریخی خشونت یعنی «جنگ»، یکی از انحرافات است که اغلب در نظام‌های مردسالار، جوامع را به خشونت‌پروری کشانده است. ویرجینیا وولف و سوزان سانتاگ از جمله اندیشمندانی‌اند که مسئله جنگ را از زاویه‌ای زنانه به چالش کشیده‌اند، زن در نقش نمادین مادر، به‌ویژانی‌ای که جنگ تحمیل می‌کند، همچون ویرانی سقف خانه‌اش نگاه می‌کند، جامعه کودک خیالی‌اف اوست، کودکی که در اشتیاقی دیدن رویا، بی‌آنکه بداند گوش به لالایی مرگ سپرده است. ژوئن ۱۹۳۸، وولف کتابی در باب ریشه‌های جنگ منتشر کرد. کتاب پاسخی بسیار دیر هنگام به نامه‌ای از یک وکیل برجسته نوشته شده که از وولف پرسیده بود: «به‌منظر شما چگونه می‌توانیم از جنگ جلوگیری کنیم؟» وولف با اشاره‌ای تند به این نکته شروع می‌کند که گفت‌وگوی صادقانه بین آنها ممکن است امکان‌پذیر نباشد، زیرا شکافی عظیم آنها را از هم جدا می‌کند؛ وکیل مرد است و او زن؛ و مردان جنگ می‌کنند، بیشتر مردان جنگ را دوست دارند، زیرا برای آنها «نوعی شکوه، نوعی ضرورت و نوعی میل» وجود دارد که زنان آن را احساس نمی‌کنند. به‌همین خاطر از منظر سانتاگ و وولف، نگرش زنانه به جنگ می‌تواند نسبت واقعی و عمیق‌تری با جنگ برقرار کند.

▼ چرا روایت زنانه؟

جنگ ۱۲ روزه در ایران، وضعیتی خاکستری بود که نفس‌های سرد انکار در آتش زیرین آن دمیدند، دوره‌ای که معمولی بودن، باید به هر طریق اثبات می‌شد تا به این وسیله، تیرنه آدمی از اتهامات ریز و درشت ممکن شود. اما چرا «جنگ ۱۲ روزه» باصمیمیتی غیرمنتظره پذیرفته شد؟ سانتاگ می‌گوید، از وقتی نبردها و قتل عام‌ها هم‌زمان با وقوع فیلمبرداری شدند، جنگ جزو جریان بی‌وقفه سرگرمی‌های خانگی شد. درک جنگ در میان افرادی که جنگ را تجربه نکرده‌اند، عمدتاً محصول تأثیر این تصاویر است. به‌عبارتی، جنگ به‌نوعی سرگرمی، جریانی از پیش‌تعیین‌شده که قادر نیست ادراک و عواطف انسانی را درگیر کند، فروکاسته شده. شخصیت انسان در جهان معاصر، بی‌وسه در خطر ترور یا گلوله‌های مشقی «درام» است و در ایران بدیهیات زندگی به‌قدری کیفیت دراماتیک به خود گرفته که انسان‌ها مقابل مسائلی نظیر جنگ، ناخودآگاه‌ی تفاوت‌وتوانایی همدلی‌شان محدود می‌شود؛ و پروپاگاندای پشت ایده جنگ، همواره در پی این است که همدلی انسانی را دستکاری کند. با این حال نمی‌توان مردم را به‌خاطر این وضع قضاوت اخلاقی کرد زیرا قضاوت اخلاقی درباره افراد، سرکوب واقعیت جمعی سیاسی است که بر آنها تحمیل شده است.

▼ میان تاریکی و کودک

صادری فرزندش را که ترس از تاریکی دارد، در آغوش گرفته است. آغوش او دیو تاریکی را طوری برای فرزند تلطیف می‌کند که حس امنیت به تخیل کودک بازگردد. روایت زنانه از جنگ، به‌مثابه میانجی‌گری بین تاریکی و کودک به‌مثابه تخیل است. روایت زنانه، به‌دلیل امکان همدان‌پنداری با زندگی‌های در حاشیه، بازتابی اثرگذار از فاجعایی همچون جنگ است.

▼ از زبان مادر

وقتی مردان در جنگ شکست می‌خورند، جسم آنها دفن یا سوزانده می‌شود اما این درباره زنان صدق نمی‌کند. جسم زنان به‌عنوان برده، دزدیده یا فروخته می‌شود. آنها از شهر، خانه و خانواده خود جدا می‌شوند، با آنها به‌زبانی صحبت می‌شود که معنی‌اش را نمی‌فهمند، با نامی صدا می‌شوند که نام آنها نیست و مادر نوزادانی می‌شوند که هیچ نسبتی با پدران‌شان ندارند. قدرت‌های می‌دانند که برای انحطاط یک ملت، ابتدا باید نقش‌های نمادینی که آفرینشگری را به‌رخ می‌کشند، نابود شوند. مادر، نماد خلاقیت است و آفرینش و ایستادگی. بنابراین از دید قدرت‌ها، زن و هرچه مربوط به مادرانگی است، باید نابود شود. روایت زنانه، چنان مادری در جست‌وجوی کودک گمشده خویش، اورا بازمی‌یابد، در آغوش می‌کشد و برایش مویه‌ای غریبانه‌سُر می‌دهد. این بخشیدن امکان سوگواری بر جان‌هایی است که به حاشیه رانده شدند؛ امکانی که باتلر بازتعریف آن را بازتعریف ارزش حیات انسانی می‌داند. در غیبت روایت زنانه از جنگ، تصاویر می‌توانند احساسات را برانگیزند، اما نهایتاً بدون روایت مناسب، تنها به ابژه‌ای برای مصرف تبدیل می‌شوند. در مقابل، روایت زنانه می‌تواند اثر جنگ را از شوک و بی‌تفاوتی به تأمل سوق دهد؛ بنابراین ضروری است که روایت‌های زنانه را از حاشیه بیرون بیاوریم تا از دریچه چشم ایشان جنگ را نه آن گونه که مصلحت است به‌نظر آید، بلکه آن گونه که واقعاً هست - یعنی در قامت فاجعهای انسانی - درک و مشاهده کنیم.

بلا تکلیفی آزادراهی نتیجه لابی فروشندگان زیتون؟

گزارش «هم میهن» از یک گره ترافیکی در رودبار گیلان که به دلیل بسته بودن مسیر برگشت آزادراه قزوین-رشت مسافران را گرفتار کرده است

عکس: یاکوئیران



سارا سبزی

خبرنگار گروه جامعه

بعد از ترافیک سنگین هفته گذشته در مسیرهای ورودی و خروجی استان گیلان، دوباره پای روایت نقش صنف زیتون رودبار در ایجاد این ترافیک‌های سنگین به‌میان کشیده شد. گفته‌هایی از زبان مسافران این مسیر که ساعت‌ها در ترافیک پرچم آخر شهر یورماه مانده بودند و تصور می‌کردند که این ترافیک ساختگی، هیچ دلیلی غیر از تلاش برای فروش زیتون ندارد؛ موضوعی که کسبه و اهالی رودبار آن را رد می‌کنند. بعد از این ترافیک سنگین در ورودی و خروجی‌های گیلان، کاربران زیادی در شبکه ایکس از تجربه خود نوشتند. مثل توثیت یکی از آنها که با ز خورد زیادی داشت و نوشته بود: «ظاهراً زیتون فروش‌های رودبار با ایجاد تصادف ساختگی در تشدید ترافیک دیشب و پریشب، ازدحام ۳۰ کیلومتری و معطلی و خستگی ۸ تا ۱۲ ساعته مردم در جاده، نقش داشتند.» یا کاربر دیگری به‌نام امیر که نوشته بود: «تقریباً ۱۵ ساله این جاده رو میرم. حدود ۴ ساله اتوبان تکمیل شده ولی مافیای زیتون اجازه نمیده که حتی تو پیک ترافیک از اتوبان برین.» این توثیت‌ها بی‌پاسخ نمانده بود و گروهی دیگر از کاربرها نوشته بودند که باز شدن مسیر بازگشت آزادراه قزوین-رشت، کسب‌وکار مردم را از بین می‌برد. ایسن توثیت هم نقل قول یکی دیگر از کاربران این شبکه اجتماعی است که نوشته بود: «مافیای نمی‌شود بهش گفت. حدود پنج هزار نفر از این مغازه‌ها کسب درآمد می‌کنند که با باز شدن این اتوبان، بیکار می‌شوند و قطعاً سر از تهران درمی‌آورند. مشکل اصلی این است که اقتصاد مملکت هیچ توانی برای درآمدزایی این مردم ندارد.» یا توثیتی دیگر که گفته‌ی بسیاری از اهالی رودبار است: «مسیر قزوین به رشت اصلاً از داخل رودبار عبور نمی‌کنه، مسیر برگشت هست که از داخل رودبار عبور می‌کنه،»

ماجرای گره خوردن ترافیک هفته گذشته گیلان به کسب‌وکار زیتون فروش‌های رودبار، به مخالفت‌ها با ساخت مسیر برگشت آزادراه قزوین-رشت برمی‌گردد. حدود یک‌دهه پیش که ساخت مسیر رفت این پروژه آغاز شد، کسبه این مسیر و اهالی صنف، مخالفت خود را با آن اعلام کردند و حالا همین مخالفت‌ها، به ایجاد ترافیک برای فروش بیشتر و ایجاد تصادف‌های ساختگی تعبیر می‌شود. مخالفت‌هایی که مهرداد بذریاش، وزیر راه و شهرسازی دولت سیزدهم در زمان احداث قطعه باقی مانده این آزادراه در تاریخ ۲۱ اسفندماه سال ۱۴۰۲ به آن اشاره کرده و گفته بود: «برخی ملاحظات اجتماعی و به‌دلیل توجه به مسئله اشتغال و اقتصاد بازار زیتون، مسیر برگشت از داخل شهر رودبار می‌گردد. ملاحظات اجتماع، ی یکی از اصول اصلی کار ما بود که اشتغال و کسب‌وکار مردم منطقه به خطر نیفتد و به‌دلیل اینکه پروژه توسعه‌ای ما یک مشکلی را حل می‌کند، مشکل دیگری را اضافه نکند. قرار شد مسیر برگشت، همان مسیر سابق باشد. منظور او از مسیر سابق، داخل شهر رودبار است که در زمان اوج سفرها به استان گیلان با ترافیک سنگینی روبرو می‌شود. حالا مسافران می‌گویند که ساخته‌نشدن مسیر برگشت آزادراه قزوین-رشت به‌دلیل لابی مافیای زیتون است. اهالی و خود کسبه می‌گویند که آنها قدرتی برای تصمیم‌گیری در این زمینه ندارند و دولت اگر می‌خواست، این مسیر را افتتاح می‌کرد. پیشنهاد و درخواست اهالی رودبار، احداث مسیر ساحلی در کنار بازار زیتون فروش‌هاست؛ در این صورت، هم بار ترافیک شهر کم می‌شود، هم بازار کسبه از دست نمی‌رود. مهتاب یکی از مسافران همیشگی گیلان است که در

سفرهای خود با ترافیک‌های سنگین این مسیر روبرو می‌شود. او می‌گوید، وقتی شنید بزرگراهی افتتاح شده که می‌تواند مسیر شلوغ رودبار را دور بزند و راحت‌تر به مقصد برسد، خیلی خوشحال شده اما در همه سفرهایش یک‌بار هم نشده که مسیر رشت تا قزوین را بتواند از بزرگراه عبور کند، چون شنیده مافیای زیتون فروش‌ها آنقدر قوی است که اجازه نمی‌دهند مسیر بازگشایی شود. این در حالی است که در همه دو سال گذشته که مهتاب از تهران به سمت گیلان می‌رفته، مسیر بزرگراهی قزوین -رشت باز بوده است.

تجربه مخالفت کسبه و مردم محلی با ایسن آزادراه، امکان پذیرش ادعاها درباره نقش فروشندگان زیتون را بیشتر کرد؛ شهری که سال‌ها نقطه حساس آزادراه قزوین-رشت بوده است. پلیس‌راه گیلان ۲۲ شهر یورماه ارتباط فروش زیتون و ترافیک را رد کرد و توضیح داد: «موضوعی که مطرح شد، واقعیت ندارد. دلیل اصلی ترافیک چند ۱۰ کیلومتری در جاده رودبار -رشت، افزایش تقاضای سفر بود. از سه‌شنبه ۱۸ شهریورماه تا صبح جمعه ۲۱ شهریورماه، حدود ۳۵۰ هزار وسیله نقلیه در این مسیر به‌سمت گیلان حرکت کردند. این حجم خودرو در بازه‌ای محدود، بیش از ظرفیت جاده بود و کشش راه، اجازه عبور هم‌زمان همه خودروها را نمی‌داد. هیچ مانعی برای عبور مسافران وجود نداشت و تنها محدودیت، ظرفیت مسیر بود. نقطه بحرانی بین رودبار تا امامزاده هاشم شکل گرفت و باعث شد، حجم ترافیک حد اکثری شود. واقعیت این است که در مدیریت سفرهای جاده‌ای، برنامه‌ریزی ظرفیت مسیرها هنوز به‌طور کامل انجام نمی‌شود. به‌عنوان مثال، ظرفیت عبور این مسیر حداکثر ۱۰۰ هزار وسیله نقلیه است، اما در آن بازه زمانی، تعداد خودروها بیش از سه‌برابر این ظرفیت بود.»

▼ مافیایی در کار نیست

درست در نقطه مقابل، گفته‌های کسبه، مقامات استان و ساکنان رودبار است که وجود مافیای زیتون و نقش آنها را در ایجاد ترافیک رد می‌کنند. آنها تأکید می‌کنند، ترافیک هفته گذشته در همه بخش‌های ورودی و خروجی استان گیلان وجود داشت و فروشندگان زیتون هیچ نقشی در این ماجرا نداشته‌اند.

اهالی معتقدند، هر گمانه‌ای تحت این عنوان که مافیای زیتون فروشان مانع ساخت آزادراه شده، کذب است و برخلاف این نگاه، بازار زیتون و مردم رودبار تمایل دارند وزارت راه و شهرسازی بخشی از مسیر که به معیشت مردم رودبار آسیب نرسد و از داخل شهر رودبار عبور کند را اجباری و به تعهدات خود در این باره عمل کند. هم‌میهن» با افراد مطلع نشان می‌دهد، ادعاهایی که درباره فشار کسبه مطرح می‌شود مربوط به یک‌دهه قبل است؛ به گفته آنها حدود ۱۰ تا ۱۲ سال طول کشید که محلی‌ها و کسبه بپذیرند آزادراه قزوین-رشت باید از مسیر رودبار عبور کند و در این مدت مقامات استان و حتی نمایندگان رؤسای جمهور مذاکراتی برای عبور این مسیر از داخل شهر انجام می‌دادند. نگرانی کسبه از تبدیل شدن رودبار به یک منجیل، لوشان و رستم‌آباد دیگر بود. پیش از افتتاح بخش اول آزادراه قزوین-رشت مسافران باید در ابتدای ورود به استان گیلان از شهر لوشان عبور می‌کردند اما پس از افتتاح، این شهر به‌طور کامل از مسیر مسافران خارج شد. شهر دوم در این مسیر، منجیل است که با افتتاح فاز یک آزادراه قزوین به رشت به‌دلیل اینکه دقیقاً نقطه انتهایی مرحله اول آزادراه بود به‌طور کامل از مدار گردشگری خارج نشد اما نمی‌توان کاهش شدید گردشگر در آن را منکر شد. خیرالله خادمی، معاون پیشین وزیر راه و شهرسازی در سال ۱۳۹۸ گفته بود: «ما باید

رفت (در مسیر قزوین به رشت) را در قالب آزادراه می‌سازیم اما باید برگشت این آزادراه (در مسیر رشت به قزوین) از داخل شهرهای رودبار و منجیل عبور می‌کند، از آن منظر مسافران اغلب هنگام برگشت نسبت به خرید این اقلام اقدام می‌کنند، این مسیر برگشت به‌صورت آزادراه نخواهد بود تا درآمد مردم این منطقه که از زرافشان از محل فروش زیتون و... است، کاهش پیدا نکند.» کسبه رودبار، لابی این صنف را برای ممانعت از تأسیس مسیر برگشت آزادراه قزوین-رشت نمی‌پذیرند و تأکید می‌کنند، با وجود اینکه از ابتدا مخالفت‌هایی برای احداث آن وجود داشت، اما آنها هرگز قدرتی برای توقف آن نداشته‌اند و حالا این نبود بودجه است که مانع از افتتاح مسیر برگشت است.

▼ در انتظار ساخت مجتمع تجاری

مسعود باقری، صاحب سه فروشگاه زیتون در مسیر رشت به قزوین است و می‌گوید، هرکسی که کسب‌وکارش در این مسیر آسیب ببیند با این موضوع مخالف است؛ چون اقتصاد این بازار هم به مسافران وابسته است و ترافیک هفته گذشته، ارتباطی با رودبار ندارد: «کسی که می‌خواهد در یک روز شلوغ از سمت رشت به تهران حرکت کند، ممکن است شش ساعت در ترافیک گیر کند، فرقی نمی‌کند که پشت رودبار گیر کند یا پشت تونل در لوشان یا کمربندی قزوین و سراوان. این ترافیک در همه‌جای این مسیر وجود دارد، مگر اینکه زیرساخت ترافیک کشور تغییر کند. در روزهای شلوغ، مسیر اتوبان قزوین رشت به سمت تهران برمی‌گردد. این مسافرها از رودبار هم رد می‌شوند، هیچ خریدی هم نمی‌کنند و کسب‌وکارهای رودبار از بین می‌روند؛ ولی در نهایت پشت تونل شیرین‌سو در ترافیک می‌مانند. ما می‌گوییم اگر جاده ساحلی رودبار را درست کنید، دیگر لازم نیست برای ساخت یک مسیر برگشت دیگر هزینه کنید.» او می‌گوید، ساخت مسیر برگشت آزادراه قزوین-رشت یک طرح ملی است و مخالفت ما به‌عنوان زیتون فروش چه تأثیری دارد؟ «اینکه می‌گویند کسبه ایسن صنف تصادف‌های ساختگی ایجاد می‌کنند، درست نیست. این طرح ملی است و دولت اگر خودش بخواهد، آن را اجرا می‌کند. قبل از اینکه آزادراه قزوین-رشت راه بیفتد، مردم از لوشان تا رودبار در ترافیک گیر می‌کردند، الان از امامزاده هاشم تا رشت گیر می‌کنند.»

باقری توضیح می‌دهد، برای شهرهای منجیل و رستم‌آباد که بعد از ساخت آزادراه با کاهش ورود گردشگر روبرو شدند، مجتمع‌هایی برای فروشندگان زیتون ساختند، اما برای فروشندگان رودباری ساخته نشد: «اگر این مجتمع‌ها ایجاد نشود، کسبه هم از آن استقبال می‌کنند، دولت فعلاً بودجه ندارد که مسیر برگشت آزادراه - قزوین رشت را تأسیس کند. در صورت تمایل به احداث آن هم باید چنین مجتمعی را برای کسبه ایجاد کند. در این شرایط کسبه چه مخالفتی دارند؟ این بازار ۳۰۰ مغازه دارد که شاید در دنیا به تعداد انگشت‌شمار ببینید که یک صنف، به این تعداد در کنار هم باشند.»

او می‌گوید، از سال ۱۳۸۹ به‌بعد که بحث افتتاح آزادراه قزوین - رشت مطرح شد، مخالفت‌ها و اعتراض‌های مردم هم آغاز شد: «چه کسی حاضر است بابت از دست رفتن شغل‌اش اعتراض نکند. اعتراض بوده، ولی نه به این شکل که حرف ما را گوش کنند. آنها کار خودشان را کرده‌اند. پول نداشتند که مسیر برگشت را افتتاح کنند. جاده هم صعب‌العبور است. ترافیک هفته گذشته در آزادراه قزوین -رشت بود، نه داخل شهر رودبار. ترافیک از سمت امامزاده هاشم به سمت آزادراه کشیده شد. در روزهای شلوغ آزادراه قزوین به رشت را دو مسیر می‌کنند و از این آزادراه در روزهای شلوغ دو منظوره استفاده می‌کنند. در روزهای معمولی از سمت تهران به رشت است و روزهای شلوغ